

## سخنی چند در مورد نارضائی مردم از دستگاه دادگستری

دیرزمانی است که درباره عدم رضایت عامه از دستگاه عدلیه گفتگو میشود و اکثر دولتها در جهت جلب رضایت افکار عمومی یکی از مواد برنامه خود را اصلاح این دستگاه قرار داده و وزاری مربوطه نیز همگی برای اصلاحات در دادگستری یک سلسله اقداماتی نموده‌اند ولی درباره یک موضوع عمده که شاید علت اساسی عدم رضایت مردم از دستگاه عدالت باشد کمتر توجه و اقدام شده است و آن کندی چرخ دستگاه قضا است.

کندی جریان امور و تأخیر در رسیدگی بدعاوی مردم بیشتر معلول قوانین نارسا و متناقض و متشتت است که قضات را خسته و سرگردان نموده و ارباب رجوع را نیز ملول و ناراضی باریآورد. وقتی قوانین بطور کلی اعم از جزائی و حقوقی یک جامع‌آوری و بترتیب فصل‌بندی شود و مواد زائد و نارسا حذف و اصلاح گردد و قوانینی که بنام ماده واحده و مواد الحاقی و اضافی و غیره در طول سالیان متمادی بمناسبت ضرورت با عجله تدوین و بقوانین مزبور اضافه شده حکم و اصلاح و داخل در فصول مربوطه خود شود دیگر قاضی برای تطبیق مورد با قانون دچار اشکال و بلا تکلیفی نمیشود و ارباب رجوع و وکلای آنان هم تکلیف خود را میدانند و دیگر نمیتوانند با استفاده از ابهام و نارسائی قانون رسیدگی را بتأخیر اندازند و جلسات داوری را پی‌درپی تجدید نمایند و از این مقوله باعث کندی چرخ عدالت شده و بالنتیجه موجبات عدم رضایت عمومی را فراهم آورند.

پراکندگی قوانین بقدری وسیع و چشم‌گیر و در خور توجه است که حتی قضات معمر و با تجربه برای دسترسی بماده‌ای از قانون گاهی اوقات ناچار میشوند مجموعه‌های قوانین را در سالهای متعدد حتی قوانین بودجه مملکتی را ورق بزنند تا بتوانند موردی را با قانون تطبیق دهند. بهترین مثال برای اثبات این مدعا تقاضاهای دادستان دیوان کیفر از مقام وزارت در یکی از جلسات ماهانه اخیر وزارت دادگستری است که بموجب آن پیشنهاد شده بود: که برای جلوگیری از اتلاف وقت

وسرگردانی قضات دیوان کیفر قوانین مربوطه را در یک جامع آوری و در اختیار آقایان بازپرسان و دادیاران دادسرا قرار داده شود زیرا در حال حاضر قوانین و مقررات مربوط بدیوان کیفر پراکنده بوده و دسترسی آن برای همه مشکل است که این تقاضا مورد اجابت هم واقع گردید.

این قبیل ایرادات در همه فصول قوانین دادگستری بچشم میخورد و اگر بخواهیم در باره کلیه موارد و ایرادات اساسی و طرق اصلاح آن بحث کنیم احتیاج بوقت بیشتر و تهیه مقالات عدیده است بنابراین فقط بذکر چند مورد اساسی در امور حقوقی و جزائی پرداخته و بامید خدا در فرصت مناسب شرح کلیه موارد نقص و طریقه اصلاح قوانین بنحویکه قابل استفاده برای عموم باشد و از تشریفات زائد که باعث اطاله دادرسی میشود بکاهد اقدام خواهد شد.

یکی از فصول قوانین که در کلیه مراجع حقوقی و جزائی در ابتدای تشکیل پرونده تا ختم آن در مراجع عالی قضائی مبتلا به عموم قضات است قضیه ابلاغ و وسائل مربوط بان است حتی میتوان گفت که برای مأمورین ابلاغ و ضابطین دادگستری نیز که مأمور رساندن اوراق قضائی بمردم هستند یکی از مسائل بفرنج ولاینحل بوده است. مقررات ابلاغ که فقط برای اطلاع اصحاب دعوی از وقت دادرسی و جریان رسیدگی وضع شده بقدری پیچیده و کشش دار و قابل انعطاف است که میتوان گفت نقض غرض شده و برای استفاده اشخاص متجاوز و تأخیر در رسیدگی و ناامیدی مظلومان وسیله بسیار خوبی است. یکی از همکاران قضائی در اوائل خدمت خود در نهایت شجاعت و افتخار میگفت که هیجده طریقه تمدید وقت کردن را میداند و قسمت اعظم آن از نقض ابلاغ اوراق سرچشمه میگردد! ! وقتی جلسات محاکمه پی در پی در یک پرونده بعلل جزئی و ظاهراً قانونی تجدید شود آیا اصحاب دعوی از چنین دستگامی که بامید اجرای عدالت بان رو آورده اند مأیوس و ناامید نخواهند شد؟ آیا تجدید جلسه و عدم صدور حکم بعلت آنکه مثلاً تاریخ ابلاغ بتمام حروف نیست متجاوزین را جری تر نمیسازد؟

اکنون چه باید کرد تا تأخیر در رسیدگی و تجدید جلسات بعلل نقص ابلاغ حتی الامکان بصفر برسد و دست محاکم و وکلاء و اصحاب دعوی در تجدید جلسات بکلی بسته شود. بعقیده نگارنده باید مقررات ابلاغ را که شامل مواد ۸۹

الی ۱۱۰ آئین دادرسی مدنی است ساده تر و فشرده و در عین حال قاطع نمود و مقرراتی برای کلیه اوراق اعم از جزائی و حقوقی تدوین کرد که ازهر حیث ساده و روشن و قابل فهم برای کلیه طبقات باشد و برای مأمورین ابلاغ که رعایت مقررات را در ابلاغ صحیح و بموقع اوراق ننمایند مجازات فوری و قابل اجرا پیش بینی نمود بنحویکه در هیچیک از موارد ابلاغ بعلت قصور یا خدای نکرده سوء نیت مأمورین نقصی مشاهده نشود و جلسه دادرسی در موعد معین انجام پذیرد. گرچه بموجب اصلاح تبصره ذیل ماده ۱۲۵ آئین دادرسی کیفری تخلف مأمورین ابلاغ و گزارش خلاف آنها طبق ماده ۱۱۲ قانون جزا جرم و قابل تعقیب دانسته شده است ولی بعلت سنگینی و شدت مجازات و عدم تناسب آن با نوع تقصیر تا بحال بعنوان نمونه یکنفر از مأمورین ابلاغ اعم از دادگستری یا انتظامی با وجود کثرت تخلفات تعقیب و مجازات نشده است. از جهت اداری نیز که بموجب مواد ۹۰ و ۹۱ و ۹۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه مجازاتهای تعیین گردیده بعلت فقد جنبه جزائی و عدم تکلیف رئیس محکمه بر تعقیب اداری مأمور متخلف همواره نسبت بآنها ارفاق و مماشات شده و عملاً غیر مجری مانده است.

اگر تخلف مأمورین ابلاغ فوراً در همان مرجع رسیدگی باصل دعوی تعقیب و مورد رسیدگی قرار گیرد و بلافاصله مأمور متخلف بمجازات خلافی بین صد الی پانصد تومان یعنی حبسی که در صورت خرید از این مبلغ کمتر نباشد محکوم و بمورد اجرا گذاشته شود و محکمه و نماینده دادستان و هر یک از مراجع قضائی بطور کلی بمحض برخورد بنقص ابلاغ مکلف بتعقیب مأمور باشند مسلماً در هیچیک از پروندهها قصور و مسامحه ای از مأمورین مشاهده نخواهد شد و تا سرحد امکان کوشش خواهند کرد که هیچ ورقه ای بدون رعایت مقررات ابلاغ از دست آنها خارج نشود. بدیهی است تکرار تخلف مأمور و یا ایجاد ضرر مادی و معنوی فراوان برای اصحاب دعوی در اثر تأخیر و نقص در ابلاغ باعث تشدید کیفر بدرجه جنحه و عرض حال ضرر و زیان متضررین خواهد شد و مأمورین انتظامی هم از این حیث باید در محاکم عمومی قابل تعقیب باشند.

در باره قاطعیت و سهولت مقررات باید علاوه بر اینکه بمأمورین ابلاغ اطمینان بیشتری نمود بسیاری از شرایط ابلاغ را از قبیل تهیه دو نفر شاهد در مورد

اشخاص بیسواد و تمام حروف بودن تاریخ ابلاغ و غیره را حذف نموده اگر ابلاغ بشخصی یا اقامتگاه‌ای میسر نشد مراتب بگواهی مأمور رسیده و یک نسخه از آن را همانطور که در کشور فرانسه مرسوم است در شهرها بکلانتری یا شهرداری و در دهات ببخشرداری یا خانه‌های انصاف یا شخص کد خدا تسلیم نمایند و با تنظیم اعلامیه و الصاق آن باقامتگاه طرف بامر ابلاغ خاتمه دهد. البته مأمورینی که ورقه ابلاغ بآنها سپرده شده سعی خواهند کرد مراتب را بشخص مورد نظر اطلاع دهند ولی مکلف باین امر نخواهند بود بلکه هر فردی برای اطلاع از اینکه شاید اورا قتی بنام او در محل‌های مذکور سپرده شده باشد موظف خواهد بود بمقامات اشاره شده مراجعه نماید.

در قانون آئین دادرسی کیفری نیز باید از تشریفات زائد کاسته شود و امور جزائی با سرعت و قاطعیت انجام پذیرد تا امنیت قضائی جامعه که در شئون اقتصادی مملکت تأثیر بسزائی دارد بنحواتم و اکمل برآورده شود. مثلاً دادرسی غیابی را باید از محکمه جنحه که غالباً پس از صرف چندماه وقت همان رای غیابی تأیید میشود حذف نمود. حبس‌های کمتر از دو ماه رانیز که از محکمه جنحه صادر میشود و فاقد اثر جزائی است و عملاً در محکمه استیناف بدون دخل و تصرفی تأیید میشود قطعی و غیرقابل استیناف اعلام کرد تا از تشکیل پرونده‌های زائد و اتلاف وقت مأمورین قضائی و اداری و بالنتیجه اطاله محاکمات جلوگیری شود.

قوانین جزائی که بالحق و اصلاح مواد زیادی بآن بی‌اندازه متراکم شده است بایستی جمع‌آوری و پس از تنقیح کامل یک پارچه نمود بطوریکه کلیه مقررات جزائی از قبیل قوانین رانندگی - هواپیمائی - راه‌آهن - مواد مخدره - مواد غذایی که هر کدام بر حسب ضرورت و احتیاج زمان وضع گردیده در قالب یک قانون ریخته شود که مراجعه قضات و طلاب حقوق بآن آسانتر انجام گیرد و هم‌اینکه مواد متناقض و ناسخ و منسوخ از میان برداشته شود. قانون جزای ایران که در چهل سال قبل در کمیسیون عدلیه بتصویب رسیده متأسفانه هنوز در مرحله آزمایش است اغلب مجازات‌ها که طی فصول و مواد این قانون معین شده و شاید در زمان وضع متناسب با اوضاع روز بوده است اکنون بر اثر پیشرفت اقتصاد مملکت و ترقی هزینه زندگی ابداً تناسبی وجود ندارد. غرامت‌های نقدی با توجه باینکه ظرف چهل سال قدرت خرید

پول بی‌اندازه پائین آمده بسیار نازل است مثلاً در قطع آب موضوع ماده ۲۶۲ مجازات مرتکب از ۱۱ روز الی سه ماه حبس یا تأدیه ده الی دوست تومان است بطوریکه مشاهده میشود حداقل مجازات غرامت خیلی جزئی است و در قطع آبیکه ممکن است باعث خسارات سنگینی شده باشد حداقل مجازات مجرم با توجه بماده ۱۲ و تبصره اصلاحی قانون مزبور دوست و ده ریال است که قابل پژوهش نیز هست در حالیکه این مبلغ برابر بعضی از تخلفات رانندگان است که بوسیله افسران راهنمایی جریمه میشوند و قطعی هم هست.

ایراد در قوانین جزائی و حقوقی بسیار و احتیاج بوقت وسیع و مطالعه دقیق اهل فن دارد. خوشبختانه اخیراً وزارت دادگستری بفکر این مهم افتاده و مشغول تهیه لوایح جامع در امور مدنی و جزائی است و با توجه باینکه در رأس وزارت دادگستری قاضی عالی مقامی قرار دارد که خدمت قضائی را از اولین پست قضائی در شهرستانها آغاز و تا ریاست شعبه دیوان کشور را دیده‌اند و در امور قضائی و قوانین مربوطه توانائی و بصیرت کامل دارند امید فراوان وجود دارد که اصلاح و یک کاسه کردن قوانین دادگستری و حذف تشریفات زائد بنحوی صورت گیرد که کندی دستگاه قضا از بین برود و با سرعت و قاطعیت عدالت در سرتاسر کشور تعمیم یابد و عدم رضایت عامه در ظرف مدت خیلی تبدیل بمسرت و رضایت شود.